

آقای نوری زاده الاحواز دروازه شرقی بلاد عربی، و خلیج عربی، همیشه عربی بوده و خواهد ماند

بی مقدمه بگوئیم گاهی اوقات شاید بعضی واقعیتها در عین غیر قابل انکار بودن برای بعضی افراد که خوابهایی برای آنها دیده اند غیر قابل تحمل و هضم باشند. ادعاهای موجود در مورد الاحواز نه از هشتاد سال پیش آغاز شده و نه بخاطر عصبانیت شما متوقف خواهد شد. آنچه هست تقدم و تاخر در مطرح کردن آن بوده است، در گذشته اگر صدای این مدعیان به جایی نرسیده است و فریادشان کوش فلک را بر نکرده است بدلیل این بوده است که سیاست جهانی اقتضا نمی کرده است، و یا بهتر بگویم نبود امکانات اعلامی و نبود ارتباطات آسان و ارزان قیمت و هماهنگی اعتقادات فکری حاکمان با سیاستهای امریکا و انگلیس و.....

همه اینها باعث شده بود حکومتها بتوانند هر جور که بخواهند ثروت ملل و اقوام را سرقت کنند.

اما امروزه بسیاری از معادلات تغییر کرده و بسیاری از ارقام در معادلات سیاسی تغییر کلی یافته است، امروزه اقوام جایگاهی در سیاست جهانی برای خود یافته است، موضوع تیمور شرقی، دارفور، قبرص، نمونه بسیاری از این مثال است. تغییر روزانه قیمت نفت، شعارهای جدید لزوم برقراری دموکراسی در تمام جهان از جانب امریکا و اروپا و از همه مهمتر تغییر در سیاست بازارهای سلاح و مهمات و لزوم تبدیل تدریجی این بازارها به مواد مصرفی و غذایی و لزوم یافتن مشتریان بیشتر در خاور دور و نزدیک، همه اینها دلایلی است که باعث شده است روشنفکران اقوام خواستهای قلبی خود را که سالهای طولانی در سینه خود پنهان کردند مطرح نمایند و مطمئن باشید حتی آن برادرانی که با شما همکاری میکنند و خود را فدرالیزم معرفی میکنند هم قلبا بر این عقیده هستند و بر عرب بودن خود و سرزمین خود مینازند و میبایست میکنند. و فقط در لهجه خود با دوستانی که اهواز را الاحواز تلفظ میکنند تفاوت دارند، و در نهایت قلبا به حق تعیین سرنوشت معتقد هست.

ناگفته نماند اگر هم به شما قولهای هم داده اند به این دلیل است که هنوز به آن مرحله نرسیده اند که بخواهند به آن وفادار بمانند. ضمنا مگر چند درصد از اعراب احوازی با اعتقادات آنان همسو میباشد و از دیدگاه های آنها تبعیت میکنند، اصلا نه آنانکه بقول شما علم عراق را حمل میکنند و نه اینها که به شما قولهای داده اند قصد خیانت به ملت خود را ندارند "ولی هر کدام روشی را در پیش گرفته اند که شرایط برای آنها مهیا کرده است، یکی از آن احزاب در شرایطی تشکیل شد که جز صدام کسی حاضر به شنیدن فریادشان نبود" **((ناگفته نماند که جبهه دمکراتیک مردمی خلق عرب احواز مخالف سرسخت دخالت عراق در امور سازمانهای احوازی بود و بخاطر این دیدگاه خود تا سرنگونی صدام هرگز حتی یک هوادار در خاک عراق نداشت و هواداران آن به ترکیه و اروپا پناهنده میشدند این در حالی است که اکثر نیروهای اپوزسیون ایران از چپ و راست تا حزب دمکرات کردستان ایران و کوموله در بغداد دفتر داشته و از صدام کمک دریافت می کردند))** و صدام در نهایت بفکر توسعه طلبیهای خود بود و آنان در مخمس صدام کیر کرده بودند و راه یس و بیش از آنها گرفت شد. و حزب دیکر در شرایطی تشکیل شد جز گروه های اپوزسیون دوستان دیگری نداشت، این شد که فدرالی فکر کردند. اما در عجبیم، به هر حال نه شما برای آنها تاکنون فکر بکری کردید که تا ابد مدیون شما باشند و جز از حلقوم شما سخن نکويند و نه آنها تصمیم گیرنده نهایی برای احواز هستند.

در نهایت هیچکدام بتنهایی تاریخی ملت عرب احواز را نساخته اند، تاریخ این ملت را سالها رنج و مشقت و عذاب طوائف و عشائر رقم زده است، این قوم برای اثبات موجودیت خود احتیاج به دلیل و برهان ندارد. هشتاد سال است که سعی شده است اسامی اروند و خرمشهر و سوسنکرد و شادکان را جایگزین شط العرب و محمره و خفاجیه و فلاحیه کنند ولی تاکنون کودکان ما بدون هیچ حساسیتی نام عربی آنها را بر زبان میاورند، چه چیزی برای شما مسلم تر از این صراحت لهجه کویای تاریخ این ملت است.

کجای بلاد عربی از بندر عباس تا جبال زاگرس ساکنانی غیر از اعراب که اکثریت مطلق شهرها و روستاها را تشکیل میدهند سکونت گزیده اند و مشقت و عذاب محرومیتها را کشیده اند. من منکر وجود ملت های دیگر که به دلایلی در این سرزمین نقل مکان کرده اند نمی شوم و ضمنا فراموش نمیکنم سیاست تهجیر از سالیان سال آغاز شده و هنوز ادامه دارد. در نهایت چه شما بخواهید و چه نخواهید خلیج عربی، خلیج عربی

ومحمرة ,محمرة,وشط العرب ,شط العرب ,وخفاجيه ,خفاجيه بوده و خواهد ماند چه امروز چه صد سال دیگر.

احمد عبدالله السعيدى (الأحوازي)

2005/5/21

www.alahwaz.com